

## اسدپاشی

سرهنگ سیامک محمدی \*

### گسترش تب مدلینگ

پدیده‌های جدید اجتماعی که هر از گاهی در قالب یک آسیب فرهنگی، اجتماعی یا آسیب نوپدید سر بر می‌آورد گویای کارکردهای ناتوی فرهنگی غرب در قالب عملیاتی‌سازی پروژه نفوذ فرهنگی بین جوانان است. واقعیت‌هایی چون بدحجابی و بدپوششی، موسیقی‌های زیرزمینی، خوانندگی زنان و ایجاد موجی از مطالبات فمینیستی، از دواج سفید، همبانی یک‌شبه، سوئچ پارتی، استسخر پارتی‌های مختلط، پارتی‌ها و جشن‌های شبانه مختلط و حالا مدگرایی و مدلینگ به عنوان یک آسیب نوپدید است که به عنوان یک صنعت پولساز دنبال می‌شود و زمینه‌ساز آسیب‌های نوپدید دیگری است. در حال حاضر حدود ۲۵درصد از فضای شبکه اینستاگرام در اختیار خرجه مدلینگ است و نکته جالب این است که این ۲۵درصد در حقیقت ۶۵درصد از دنبال‌کننده‌های شبکه‌اجتماعی اینستاگرام را نیز به خوداختصاص می‌دهند که این حجم زیاد از دنبال‌کننده تأثیرپذیری زیادی در این حوزه خواهد داشت، ضمن اینکه در این فضا و شبکه‌های اجتماعی مشابه چون تلگرام و فیسبوک با طیف وسیعی ازصفحاتی مواجه می‌شویم که در جهت‌القای مسائل غیراخلاقی، غیردینی و بی‌بندوباری ایجاد شده‌اند و بعضاً به صورت سازمان یافته و هدفمند در جهت تخریب فضای اخلاقی و فرهنگی جامعه گام بر می‌دارند.

می‌توان یکی از دلایل مهم این سطح بالای اشتیاق به مدلینگ را، راه سریع و آسان دستیابی به آن دانست. افراد مشتاق تنها با ساختن یک ای‌دی در اینستاگرام یا تلگرام و پرداخت هزینه‌ای مختصر به آتلیه‌ها وارد دنیای مدلینگ می‌شوند. جذب فالور و تعداد بالای لایک، تصور خام و نسنجیده این افراد برای رسیدن به شهرت و مالکن شدن است. آنها با رژیای دریافت‌های میلیونی پا به این حرفه می‌گذارند در بسیاری از موارد شاید این لایک‌ها آنها را یک قدم به سمت هدفشان نزدیک کند اما کدام هدف و به چه قیمتی؟

تصویر دختران جوان توسط تعدادی از عکاسان در آتلیه‌ها برای ژورنال‌های داخلی و خارجی استفاده می‌شود این امر برای افزایش درصد فروش لباس‌ها یا کالاهای برخی از تولیدکنندگان نه چندان مطرح است. آنها با وعده رفتن به خارج از کشور خام افراد سودجو می‌شوند بپراهایی که هرگز به مقصد نرسیده است. دختران جوانی که برای رژیای مدلینگ شدن هزینه‌های فراوانی را متحمل شده‌اند. اینها هرگز به خارج از کشور فرستاده نمی‌شوند، بلکه تنها ابزار سواستفاده عده‌ای سود جو و فرصت طلب قرار می‌گیرند.

آسیب‌های مدلینگ تغییر یافته و نگرش جوانان به مقوله ازدواج و همسر یابی است. گسترش تب مدلینگ و انتشار تصاویر غیراخلاقی و نامناسب، سبب شده عده‌ای از جوانان معیار هایشان برای انتخاب همسر تغییر کند.

ایده‌ال‌های نادرست و ناموقی که حاشیه‌ها را اصل و اصل‌ها را به حاشیه می‌برد.

\***رئیس اداره مطالعات اجتماعی معاونت اجتماعی قاتب**

## هدیه سارق دست‌آورارو کرد

مجرم سابقه‌دار که با کارت عابر بانک سرقتی به عنوان هدیه برای دوستش **گوشی تلفن همراه** خریده بود، شناسایی و بازداشت شد. به گزارش جوان، سرهنگ کارا گاه قاسم دستخا گرفت: رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ توضیح داد: نیمه‌شب ۱۵آبان‌ماه زنی وارد کلانتری ۷۰۷ فلسطین شد و گزارش یک سرقت را اعلام کرد. او گفت: ساعتی قبل در حال عبور از خیابان بودم که مردی رهگذر کیف‌دستی‌ام را سرقت کرده و گریخت. او گفت: داخل کیفم گوشی تلفن همراه، مقداری پول، کارت عابربانک و رمزش بود که سرقت شد. وقتی پرسیده در پایگاه‌سوم پلیس آگاهی تهران بررسی شد، شاکی دوباره راهی اداره پلیس شد و گفت که ۱۳میلیون تومان از حسابش برداشت شده است. مأموران با بررسی تراکش‌های مالی از کارت عابربانک شاکی متوجه شدند که سارق در یک مغازه فروش گوشی، تلفن همراه خرید کرده است. بعد از به دست آمدن این سرخ مأموران در محل حاضر شده و با بررسی دوربین‌های مدارسته تصویر سارق را که همراه مردی دیگری در محل حاضر شده‌بود به دست آوردند که از سوی شاکی شناسایی شد.

در شاخه دیگری از تحقیقات مأموران پلیس موفق شدند متهم را که سیامک نام داشت و از مجرمان سابقه‌دار بود، شناسایی کنند. بررسی‌ها نشان داد که سیامک‌از مجرمان سابقه‌دار است که از مدتی قبل همراه همدستش جمشید از رهگذران سرقت می‌کنند. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که مأموران دو متهم را در مخفیگاهشان در شهرستان اسلامشهر شناسایی و در بازرسی از مخفیگاه آنها کارت ملی شاکی به همراه تعدادی مدارک دیگر کشف شد. متهم اصلی در بازجویی‌ها گفت: از مدتی قبل به این شیوه شروع به سرقت کردم. متهم گفت: با کارت عابربانک شاکی دو گوشی خریدم و یکی از گوشی‌ها را به دوستم هدیه دادم و گوشی دیگری را هم به برادرم دادم که بازداشت‌شدم. تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهمان ادامه دارد.

### کشف مخدر شیشه در جاروبرقی

رئیس کلانتری ۱۲۰نازی آباد از کشف ۳۰۰گرم مخدر شیشه در یک جاروبرقی و بازداشت سوداگر مرگ خیسر داد. به گزارش جوان، سرهنگ پیمان لطیفی توضیح داد: روز گذشته مأموران کلانتری در جریان طرح بست و بازرسی در بازار دوم نازی آباد به یک دستگاه پژو ۲۰۶تقرای با دو سرنشین مظنون شده و در بازرسی جاروبرقی که در صندوق عقب خودرو بود ۳۰۰گرم مخدر شیشه کشف و دو متهم را بازداشت کردند. دو متهم گفتند که قصد داشتند مخدر شیشه را در شمال کشور به مشتری تحویل دهند که بازداشت شدند.

# حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

## اعلام گذشت از دوست اسیدپاش

**مرد جوانی که در پاتوق خلافکاران از سوی یکی از دوستانش هدف اسیدپاشی قرار گرفته بود، بدون قید و شرط از او اعلام گذشت کرد.**

به گزارش جوان، دقایقی از ساعت ۲۴ شامگاه دوشنبه ششم مرداد امسال گذشته بود که به مأموران پلیس تهران

خبر حادثه اسیدپاشی گزارش شد.

با اعلام این خبر تیمی از مأموران پلیس راهی محل حادثه که خانه قدیمی در خیابان وحدت اسلامی بود، شدند. بررسی‌ها نشان داد محل حادثه پاتوق خلافکاران و معتادان است که لحظاتی قبل پسر جوانی به نام مقصود درگیری با یکی از دوستانش به نام بهادر روی او مایع اسیدی پاشیده‌است به طوری که بهادر دراین حادثه از ناحیه دست و چشم و صورت آسیب دیده و برای درمان راهی بیمارستان شده‌است.

همچنین مشخص شد دو نفر از دوستان بهادر عامل اسیدپاشی را هنگام فرار دستگیر کرده و به شدت کتک زده‌اند.

متهم پس از دستگیری در دادسرای امور جنایی تهران مقابل قضای ساسان غلامی،



## بخشش عروس خطاکار به شرط پرداخت دیه

ما در عراق زندگی می‌کردیم تا اینکه صاحب یک دختر و یک پسر شدیم.» متهم ادامه داد: «حیدر بیکار بود تا اینکه فهمیدم عضو گروه داعش شده است. او خیلی بدخلقی می‌کرد و به شدت مرا کتک می‌زد.»

زن جوان در خصوص قتل گفت: «چند روز قبل از حادثه همراه شوهرم به ایران آمدیم تا پدرم را از ازدواج با خیر کنیم اما بیکاره با شوهرم درگیر شدم. شوهرم از اربیل یک اسلحه خریده بود و آنرا به من داده‌بود تا بایش پنهان کنم. می‌دانستم اگر اسلحه به دستش بیفتد مرا خواهد کشت. این شد که در آن درگیری با همان اسلحه با او شلیک کردم.»

با اقرارهای زن جوان وی راهی زندان شد و پرونده در حال کامل شدن بود که اولیای دم گفتند به شرط دریافت دیه حاضر به گذشت هستند. به این ترتیب پرونده از جنبه عمومی جرم به شعبه‌دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در اولین جلسه

بازپرس شعبه‌سوم به اسیدپاشی روی دوستش اعتراف کرد و مدعی شد که یک روز قبل از حادثه بهادر او را مورد آزار قرار داده و به همین سبب از او کینه به دل گرفته و روی او مایع اسیدی پاشیده است.

■ **ادعای جدید**

در حالی پزشکان اعلام کرده‌بودند، سوختگی بهادر از نوع درجه‌سه است، متهم در بازجویی‌های بعدی ادعای تازه‌ای را مطرح کرد. وی گفت: «عمله چند سال قبل زیر زمین خانه‌اش را به مردی معروف به دایی شاهرخ اجاره داد و او هم آنجا را پاتوق افراد خلافکار کرده بود. من از سه سال قبل به پاتوق دایی شاهرخ رفت و آمد داشتم و آنجا مواد می‌کشیدم. چند روز قبل از حادثه پیش دایی شاهرخ رفتم که او از من خواست مقداری برای او اسید بخرم. او گفت که مایع اسیدی را برای پاک کردن رنگ لازم دارد. آن روز بهادر هم برای کشیدن مواد به پاتوق آمده بود که از من خواست فندکم را برای مصرف مواد به او بدهم. من فندک را گرفتمت‌را به او دادم و گفتم که امانت است، اما پس

بدین ترتیب با اعلام رضایت شاکی پرونده متهم به زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری رسیدگی می‌شود.

### محاكمه متهم به حبس محكوم شد.

اولیای دم اما به رأی صادر شده اعتراض کردند و گفتند که متهم هنوز دیه مطالبه شده را پرداخت نکرده است. بنابراین رأی از سوی قضات دیوان عالی کشور نقض و پرونده به همان شعبه از جاع شد. ابتدای جلسه یکی از اولیای دم در جایگاه ایستاد و گفت: «قرار بود متهم مبلغ توافق شده برای دیه را پرداخت کند، اما هنوز پول واریز نشده‌است. به همین خاطر رضایت قطعی خود را اعلام نکردیم.»

در ادامه وکیل متهم در غیاب موکلش گفت: «سه سال قبل توافق شده‌بود، ۶۰۰میلیون تومان به اولیای دم پرداخت شود، اما این مبلغ حالا نزدیک به ۱۰میلیارد تومان شده‌است. دادگاه مهلت می‌خواهیم تا در این فرصت بتوانیم رضایت اولیای دم را جلب کنیم.»با این پیشنهاد، هیئت قضایی جلسه را به تاریخ دیگری موکول کرد تا زن جوان با جلب رضایت اولیای دم از جنبه عمومی جرم محاکمه شود.

### کارگردان قلبی در قرار ساختگی به دام افتاد

حاضر شد و مأموران پلیس هم که در آن نزدیکی کمین کرده بودند وی را دستگیر کردند.

متهم پس از انتقال به اداره پلیس در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کرد. وی گفت: «پس از سرقت برای مدتی به یکی از شهرستان‌های اطراف تهران رفتم و اطلاعاتی سرقتی را به مبلغ ۱۱میلیون تومان فروختم. در این مدت با پول طلاهای سرقتی خوشگذرانی کردم و وقتی پول‌هایم تمام شد، برای کار دوباره به تهران برگشتم. چند روز قبل شاکی به من پیام داد و گفت که هنوز عاشق و دلباخته من است و این بار او مرا فریب داد و در دام مأموران پلیس گرفتار کرد.» متهم در ادامه برای تحقیقات و وائمود کند که دلباخته او شده و یا او قرار ملاقات بگذارد.

سپس شاکی نقشه پلیس را مو به مو اجرا کرد تا اینکه چند روز قبل متهم سرر قرار چاقو مرا مورد آزار قرار داد و بعد هم جواهراتم را سرقت کرد و تهدید کرد اگر از او شکایت کنم، عکس‌های خصوصی‌ام را در فضای مجازی منتشر می‌کند. بعد از آن بود که تازه متوجه شدم او کارگردان هنری نیست و مرا فریب داده است.»با طرح این شکایت تیمی از مأموران پلیس تهران به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری کارگردان قلبی آغاز کردند.

■ **دستگیری در قرار صوری**

تحقیقات مأموران نشان داد متهم پس از سرقت به مکان نامعلومی گریخته است. بنابراین مأموران از شاکی خواستند دوباره از طریق اینستاگرام با متهم ارتباط برقرار و وائمود کند که دلباخته او شده و یا او قرار ملاقات بگذارد.

سپس شاکی نقشه پلیس را مو به مو اجرا کرد تا اینکه چند روز قبل متهم سرر قرار



### سرت ۸۰۰ میلیون تومانی

### از جواهر ساز با آبیومه مسموم

دوستی مرد جواهرساز با دو دختر جوان به قیمت بیهوشی او و سرقت ۸۰۰میلیون تومان طلا و جواهراتش تمام شد. به گزارش جوان، سه‌ماه قبل مردی وارد کلانتری ۱۵۳ شهرک ولیعصر شد و گزارش یک سرقت را اعلام کرد. او گفت: صاحب یک کارگاه جواهرسازی در شهرک ولیعصر هستم و به خاطر شغلی که دارم وضع مالی‌ام خیلی خوب است. چند روز قبل با دختری ۲۶ساله آشنا شدم که گفت می‌تواند برای فروش بیشتر محصولاتم به من کمک کند و در اینستاگرام برایم تبلیغ کند برای همین به او اعتماد کردم با هم قرار ملاقات گذاشتیم. شاکی ادامه داد: روز حادثه او و دوستش را در یکی از خیابان‌های نیلوران سوار ماشین کردم. بعد از کمی حرف زدن آنها من را مهمان کردند و برای آبیومه خریدند. بعد از خوردن آبیومه اما بیهوش شدم. چند ساعت بعد وقتی به هوش آمدم دیدم که از کلید کارگاه و گلو صندوقم خیر نیست. وقتی خودم را به کارگاه رساندم متوجه شدم که همه طلاها را که در مجموع ۸۰۰میلیون تومان ارزش داشت سرقت کرده‌اند.

بعد از مطرح شدن شکایت مأموران پلیس با اطلاعاتی که شاکی از دو دختر جوان در اختیارشان گذاشت در این باره تحقیق کرده دو متهم را شناسایی کردند. بررسی‌ها نشان داد که دو دختر جوان از شاخه‌های اینستاگرام هستند که به این شیوه مردان را فریب‌دار داده و اموالشان را سرقت می‌کنند. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که مأموران موفق شدند، متهم اصلی را بازداشت و در بازرسی از مخفیگاه او مقداری از جواهرات سرقت شده را ۶۰۰میلیون تومان ارزش داشت، کشف کنند. سرهنگ جلیل موفقوه‌ای، رئیس پلیس پیشگیری پایتخت گفت: تحقیقات برای بازداشت همدست متهم در جریان است.

### سربازان بدرقه:

### فرمان مافوقمان را اجرا کردیم

سه سرباز زندان که متهم هستند با ضرب و جرح زندانی فراری، مرگ وی را رقم زده‌اند مدعی هستند که فرمان مافوقشان را اجرا کرده‌اند.

به گزارش جوان، اوایل دی‌سال ۹۷، مأموران پلیس از مرگ مشکوک یکی از زندانیان ششاقویه در بهداری زندان ناخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به مرد ۵۰ساله به نام بهروز بود که هنگام انتقال از دادسرا اقدام به فرار کرده و با مأمور بدرقه به سه سرباز درگیر شده بود. مرد زندانی در جریان درگیری به خاطر ضرب و جرح از سوی سه سرباز زخمی شده و بعد از انتقال به بهداری بر اثر شدت جراحات فوت کرد.مردوبنا انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأمور زندان و سه سرباز بازداشت شدند.

چهار متهم تحت بازجویی قرار گرفتند. مأمور بدرقه که حسن نام داشت گفت: «بهروز به اتهام کلاهبرداری در زندان بود. روز حادثه او و چند زندانی را برای تحقیقات به دادسرا بریدیم که در راه برگشت برای اینکه زندانیان راحت شوند بپایند آنها را باز کردیم.اما بهروز سواستفاده کرد و پا به فرار گذاشت. سربازان او را تعقیب کردند و موفق شدند او را دستگیر کنند. بهروز وقتی به ماشین منتقل شد شروع به خودزنی کرد. آنجا بود که از سربازان خواستند او را آرام کنند، اما او حمله کرد و به همین خاطر درگیری بالا گرفت. در آن درگیری بهروز خونین روی زمین افتاد. بلافاصله او را به بهداری زندان رساندیم و همانجا از کادر پزشکی خواستیم به بیمارستانی مجهز منتقل شود، اما دو ساعت بعد فهمیدم فوت کرده است.»سه سرباز نیز وقتی تحت بازجویی قرار گرفتند جرمان را اقرار کردند.

با اقرار متهمان، سه سرباز به اتهام مشارکت در قتل و مأمور بدرقه به اتهام معاونت خودشان را همی زندان شدند. پرونده در اولین جلسه محاکمه روی میز هیئت قضایی شعبه‌دهم دادگاه کیفری یک استان تهران قرار گرفت. در آن جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند. سپس متهمان تک به تک به جایگاه ایستادند اما جرمان را انکار کردند. یکی از سربازها گفت: «بعد از حادثه مافوقمان قول داد اگر به قتل اعتراف کنیم رضایت اولیای دم را جلب کند. به همین خاطر قتل را گردن گرفتیم. اما حالا به قولش عمل نکرده است. ما به دستور او بهروز را کتک زدیم.»

در پایان هیئت قضایی با توجه به نظر به پزشکی قانونی که اعلام کرده‌بود، مقنول خودشان نیز در فونشن مقصر بوده است، متهمان را به پرداخت یک‌چهارم دیه محکوم کرد، اما این حکم از سوی قضات دیوان عالی کشور نقض و به همان شعبه از جاع داده شد.

به این ترتیب پرونده برای دومین بار روی میز هیئت قضایی شعبه‌دهم دادگاه قرار گرفت. در فونشن رسیدگی اولیای دم بار دیگر درخواست قصاص کردند. سپس مأمور بدرقه بالکل جرمش گفت: «سه سرباز به خاطر فحاشی زندانی تحت تأثیر قرار گرفتند و خودشان او را کتک زدند. من دستوری ندادم.» سپس سه سرباز نیز با انکار جرمان گفتند: ما به دستور مافوقمان، مرد زندانی را کتک زدیم. در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

### آکهی مفقودی

برگ سبز، برگ کپهانی خودرو پژو تیپ پارس مدل ۱۳۸۱ به رنگ مشکی متالیک به شماره پلاک ایران ۲۸ ۱۷۲ - ۳۹ به شماره موتور ۱۰۴۶۸۸۱۰۲۲۸۲۸۱ و شماره شناسی ۶۵۰۶۵۸۱۸ متعلق به آقای میلاد علیپور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

### آکهی مفقودی

برگ سبز، کارت شناسایی موتور سیکلت سیستم اسرار تیپ CDI 125 مدل ۱۳۹۰ به رنگ مشکی به شماره پلاک ایران ۲۲۲ - ۴۴۸۹۵ به شماره موتور ۸۱۰۵۲۱۸۱ و شماره تنه 125A9003554\*\*\*N2A متعلق به آقای احمد سیاهوشی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

### آکهی مفقودی

برگ سبز، خودرو سواری رنو L90 مدل ۱۳۹۵ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۵۹-۳۶۵-س ۲۶ به شماره موتور K4MA690-R154412 و شماره شناسی-NA 1274767PLSRALDG متعلق به خانم سیده مریم موسوی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
گلستان

### آکهی مفقودی

سند کپهانی خودرو سواری پژو ۴۰۵ GLX-XU7CNG مدل ۱۳۹۲ به شماره پلاک ایران ۸۳-۶۳۸-س ۴۲ به شماره موتور 124K0573703 و شماره شناسی-NAAM11CA8ER103290 متعلق به آقای احمدرضا رضایی فرزند محمدرضا با کدملی ۴۴۳۱۰۴۴۲۷۰۶۵۴۹۷۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
شیراز